

هفته نامه سوسیالیستی

کارگر

تیبون آزاد مردم زحمتکش

ویژه شماره ۳ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۸

تصرف کیهان، جنگال اختناق برکلوی آزادی است

اولین شماره کیهان صرف شده. ادعا شده است که کارگران کیهان دست به "تصفیه" خبرنگاران و نویسندگان این روزنامه زده اند و آنرا پاکسازی کرده اند. ولی این توطئه ای و تحریکی بیش نیست. توطئه و تحریکی که از ماه ها قبل، همزمان با حملات سخنگویی مختلف هیئت حاکم به این روزنامه نقشه چینی شده بود و بافصله کوتاهی پس از تعطیل آیندگان به اجرا گذارده شد. علت اینکه چرا

به فاصله سه روز پس از تعطیل روزنامه آیندگان، جنگال اختناق تحت لوای "پالید سازی" بر روزنامه کیهان پنجه انداخت. خفه کردن صدای کیهان، با شیوه جدیدی انجام گرفت. این روزنامه با ادویه "هست کارگران و کارکنان مسلمان کیهان" بلعیده شد. لکن این اخیرترین حمله هیئت حاکم به آزادی مطبوعات، نتوانست هیچکس را فریب دهد. پنجه سرکوبگر از پس دستکش "پاک سازی" بیرون زده است. در مقاله اصلی

بقیه در صفحه ۲

دست‌ها از

آیندگان، کیهان، پیغام امروز، آهنگر و تهران مصور

کوتاه!

برقراری فوری مجلس مؤسسان، انتخابات آزاد

می‌توانیم اجبار را در همه سطوح جامعه جای ایمان توده قرار دهیم؟ اینست خواست متحصر بقدر سرمایه‌داران و زمینداران سرمایه‌دار ایرانی. نمایندگان این طبقه پشروی‌های خود را در این زمینه بنا به پیشروی‌های خود در میان می‌گذارند. صلاح امپریالیسم در میان می‌گذارد. صلاح مصلحت می‌کند و از تجربیات ضد انقلابی آنان بهره می‌گیرند. تمام بحث‌های درون هیئت حاکمه، تمام اختلالات درون این هیئت، تمام کشمکش‌ها، تمام مشاجرات بین شخصیت‌ها و نمایندگان سیاسی طبقه حاکم از این نیاز سرچشمه می‌گیرد. طبقه حاکم بدنبال تسویه حساب با توده مردم است. طبقه حاکم صحنه را برای این تسویه حساب دارد آماده می‌کند. این فشار بزرگی برای سرمایه‌داری ایران و امپریالیسم جهانی است.

دستاوردهای انقلاب، دستاوردهای خون هزاران هزار مبارز انقلابی که بسوغ استبداد و اختناق را از گردن توده مردم داشته، همه سرمایه‌داران را به تنگی نفس انداخته است. سرمایه‌داران می‌دانند که باید این دستاوردها را یک به یک نابود کرد. اول تحقیق تودماست و به به و چه چه کردن و دوده و وید دادن. بعد دستورات سیاسی و کافذ هائی که بر آن بخشنامه‌های دولتی را گذاشتند. بعد تهدیدات است و التماس‌ها. بقیه در صفحه ۲

راد بود. هم تلویزیون، هم روزنامه‌ها و هم هفته نامه‌ها وسیله‌های هیئت حاکم برای سرکوبی حقوق مردم باشند. وسیله‌های تحریف نیازهای واقعی توده مردم باشند. هیئت حاکمه می‌داند که بعد از رفرااندوم تماشای جمهوری اسلامی، به سرکوبی و تهدید آزادی نیاز دارد. گفته می‌شود که قرار است قانون اساسی اسلامی، این نام دیگر برای حکومت سرمایه داری، انتشار یابد. هر قدم از تحکیم حکومت سرمایه داری به اختناق احتیاج دارد.

حمله طبقه حاکم از تشریفات سرمایه‌داری آغاز شده است، اما هدف سرکوبی کارگران و کل مردم است.

هیئت حاکمه از خود می‌پرستد، چگونه می‌توانیم این قافله، یعنی حکومت نوپس سرمایه داری ایران را از دروازه بعد از رفرااندوم بگذرانیم؟ چگونه می‌توانیم قانون اساسی حکومت نوپس را انتشار دهیم و از هرگونه چمت واقعی و جدی دربارها آن جلوگیری کنیم؟ چگونه می‌توانیم روز روشن را برای توده عظیم مردم محروم به شب تاریک و ظلمانی تبدیل کنیم؟ چگونه می‌توانیم فضای لازم برای فرمانبرداری پلانماز از دستور هاپمان، از منافع سرمایه‌داری ایران را مهیا کنیم؟ چگونه می‌توانیم روحیه مبارز، امیدوار و پراشتیاب این مردم بیدار شده را به اطاعت، باسو خاموشی تبدیل کنیم؟ چگونه

آزادی مطبوعات با خود کامی حکومتها و تهدید به ها و بالاخره سانسور این یکی از اساسی ترین مطالب هرا انقلاب است. اعلامیه‌های اسام خینی و حملات حکومت انتصابی او یعنی حکومت پازرگان به آیندگان، کیهان، تهران مصور، پیغام امروز و آهنگر مسئله مرگ وزندگی آزادی را عنوان میکند. انقلاب آزادی را متولد کرده امکانات باوروری و رشد آنرا بوجود آورده است. اما حکومت سرمایه داری فقط از طریق سرکوبی زورگویی، محدود کردن آزادی، تهدیدها و بالاخره سرکوبی‌ها و اختناق می‌تواند نظام سرمایه داری را مجدداً استحکام بخشد. اینست ریشه حمله به آزادی مطبوعات.

از قیام بهمن ماه تا به امروز، ما شاهد سانسور در رادیو و تلویزیون بوده ایم (بخیر از دو شب اول قیام). هرکارگر مبارزی تهدیدها و حملات فراوان به حقوق خود را در کارخانه‌ها دیده و لمس کرده است. بخشنامه‌های مخفی دولتی یکی پس از دیگری نقض آزادی را دستور می‌دهند. حکومت دستور می‌دهد که در دبیرستان‌ها دیگر نباید جلسات بحث باشد، تمام سالن‌های تجمع عمومی برای جلوگیری از بحث آزاد گروه‌های سیاسی مختلف همه یا بخشنامه‌های مخفی دولتی ممنوع اعلام شده اند. انقلاب بنا حقیقتی صریح و آتشین را روشن کرده است. توده مردم برای کسب خواست‌های خود به آزادی احتیاج دارند، اما سرمایه‌داران

است. از جمله اند: احمد شاملو، نعمت میرزا زاده، انجمن دفاع از آزادی مطبوعات، کانون نویسندگان، انجمن آذربایجان، کانون مستقل معلمان، جمعیت آزادی، چریک‌های فدائی خلق، حزب کارگران سوسیالیست، حزب جمهوری‌خواه فدائیان، حزب ایران و حزب جمهوری‌خواه

اردیبهشت در حرارت آزادی مطبوعات و اعتراض به اختناق و ارباب و تحکیم مواضع انقلاب. شرکت جویندگ لیست سازمان‌ها و شخصیت‌هایی که پس از اختناق آیندگان و کیهان اعلامیه‌هایی در دفاع از آزادی مطبوعات صادر کرده اند و حملات ضد دموکراتیک را محکوم نموده اند. رو به از یسار

روزنامه‌های پیغام امروز، آهنگر و تهران مصور در مقابل فشارهای سنگین مقاومت میکنند و به انتشار ادامه می‌دهند. گروه‌ها و احزاب متعددی نیز هم اکنون اعتراض خود را علیه حملات به این مطبوعات ابراز داشته اند. جنبه دموکراتیک ملی از همه مبارزان دعوت کرده است تا در مراسم روز شنبه ۲۹

مقاومت در برابر

حمله به آزادی مطبوعات

گسترش می‌یابد

حمله به مطبوعات که منجر به توقف انتشار روزنامه آیدگان گردید، مسیح نیروهای دست راستی برای جلوگیری از توزیع نشریات و آتش زدن شعبه های آیدگان در شهبز - ستان ها و نیز حملات دیوانه وار را دیسو و تلویزیون به آیدگان، پیغام امروز، آهنگساز تهران صوری، مردم ایران را با یکسری از شکنجه های دوران پس از قیام روبرو گسرده است.

شهریه دیگر روز ۲۵ اردیبهشت وارد شد. روزنامه کهبان، تنها روزنامه عمده باقی مانده که دستکم تقاضا به نویی استقلال می کرد. به همت کارگران سلمان در چهار صفحه منتشر شد. بدین ترتیب صلا اسلام شد. تنها آن روزنامه هائی اجازه انتشار می یابند که تنها آهنگ زنده یاد رهیسر، زنده باد پشوا را بنوازند.

در برابر چشم همه جهانیان، طبقه حاکم ساطور خود را بر سر یکی دیگساز دستاوردهای انقلاب که مردم در راه آن این همه جانفشانی کرده اند، فرود آورده است. اصل خدشه ناپذیر آزادی مطبوعات، آزادی اندیشه و آزادی بیان لغو و مفلح اسلام شده. تنها آزادی چاپلوسی، تلقی و هورا کشیدن، حجاز شمرده می شود.

رادبو و تلویزیون، بر آزادی های از دست رفته فاتحه می خوانند، و علبه گره های دست راستی را تحریک و تشویق به از بین بردن مخالفین هیئت حاکمه می کنند. طبقه حاکم بر خلاف میل خود، دوساره اندیشه، توده عظیم را بسوی سیاست جلب کرده است.

تصور عمومی بر این بود که با پیروزی قیام و سرنگونی سلطنت خونخوار پهلوسی، زندگی در شرایط نیکبای که در آن خواندن یک کتاب جرم شناخته می شد، بسرآمد است. همه فکر می کردند دوران اختلافی و سانسور، دوران زویا گذشتن شخصیت انسانی، تلذذات فرمایشی، هوراها و اجنبی سازی به پایان رسیده است. تصور غالب این بود که دوران آزادی فرا رسیده است. دورانی که همه هر چه می خواهند و فکر می کنند می گویند، هر چه می خواهند می خوانند و منت آهنگین استبداد از روی اندیشه ها، مطبوعات، و جامعه بطور کلی برداشته خواهد شد.

پسند شدن بی درین نشریات در پی بیانیه امام خمینی، حمایت دولت انتصابی ازین تعطیل اجباری نشریات، مسیح گسره های دست راستی، آتش زدن ها، تهدیدها و اوجاب ها در وسیع ترین سطح توده ای ها را از خواب بیدار می کند.

برخاستن فول استبداد و جنگل عشن اختناق و سانسور که اینک پس از رادیسو و تلویزیون، بر گلو مطبوعات پنجه انداخته است. میلیونها نفری را که بدندان چشم اند از دموکراسی و آزادی رای به جمعیوری اسلامی دادند، بهوش می آورد.

حمله مرکزیت یافته رهبران مرکسری، دولت و گروه های دست راستی به اصل آزادی، در تهن توده وسیع، رشک های ازهم گسسته را بهم پیوند می زند. همه به چشم خود می بینند که حاکمین کنونی ایران تنها خواستار سانسور در رادبو و تلویزیون نیستند، تنها قصد برقراری زور کارفرما در کارخانه را ندارند، تنها حق طبع های مستندیده کرد، ترکمن و عرب را زیر پا نمی گذارند، فقط مسئله بیگاری نیست که به آن بی توجهی و بی اعتنائی خاصی تکیه میزند. حمله طبقه حاکم فقط معطوسان زمان نیست، فقط از سرمایه زمان خواسته نمیشود که دوباره مطبوع کور نیساره و افسران ارشد گردند. نه هیئت حاکم در تمام سطوح علیه

آزادی مطبوعات و چشم دموکراسی و سوسیالیسم

اما همه اینها بمعنای انهدام سرمایه داری بود. آزادی واقعی، دموکراسی حقیقی و سرمایه داری دشمن خوبی هستند و لحظه ای نمی توانند در جوار هم به زندگی ادامه دهند. سرمایه داری محتاج اختفای حقایق است. در سرمایه داری همه چیز باید از چشم توده مردم پنهان باشد. همه چیز باید در پشت درهای بسته تصمصم گیری شود. از همه بالاتر این حقیقت باید از چشم توده مردم پنهان بماند که در حالیکه چرخه های جامعه بدست اکثریت عظیم و زحمتکش میگردد، اقلیتی کوچک و سرمایه دار بر کل جامعه حکومت می کند و همه تصمیمات بر اساس منافع این اقلیت ناچیز گرفته می شود.

تاگزیر باید دموکراسی محدود می شد، میزبات کارگران و زحمتکشان سرکوب می شد، قدرت که در دسترس کارگران و زحمتکشان قرار داشت از آنان ربوده می شد و حاکمیت سرمایه و حکومت سرمایه داران که تا دیروز

در عین حال سرمایه داران پیوسته بدنیال فرصت می گردید تا به شیوه عسادی حکومت خود، یعنی خفقان و استبداد بساز گردند. این واقعیتی است که امروز در ایران در جریان است. با سرنگون شدن سلطنت خونخوار پهلوی و درهم کوبیده شدن کساد فرماندهی ساخته و پرداخته امپریالیسم امگا، جامعه ایران میرفت که یکسره در دست کارگران و زحمتکشان قرار گیرد. از سلطه سلطنت و امپریالیسم رفع گسرد، دوران آزادی، رفاه، عدالت اجتماعی آغاز گردید. و چشم انداز دموکراسی و سوسیالیسم بدل به واقعیت گردید.

تمام نظام سرمایه داری و دستنگاه اجتماعی زیر سلطه امپریالیسم به مخاطره افتاده بود. جامعه پس از قیام در شرایطی قرار داشت که امکان می داد، حاکمیت اکثریت زحمتکش، حاکمیت مردم برقرار شود. توده مردم از همه جنايات شاه، امپریالیسم و سرمایه داران یاخبر شوند، استناد سازمان امنیت همه منقح گردد، اندازه چپاول سرمایه داران داخلی و غارتگران امپریالیست بازگو شود، روزنامه ها بنویسند، رادیسو و تلویزیون بگویند، احزاب سیاسی برنامه های خود را آزادانه بیان کنند، مردم انقلابی از همه چیز مطلع شده، برای خود تصمیم بگیرند، برای مسائل خود راه حل پیدا کرده، عرضه کنند و از طریق مجلسی میسائی که توسط انتخابات آزاد برگزار شده، پیرامون همه مسائل بحث کنند و بهترین راه حل را به مرحله اجرا بگذارند.

انقلاب می توانست زنجیره های اسارت ملی را از دست و پای طبقاتی های تحت تسلط بردارد، به زنان آزادی و مساوات کامل عرضه کند و چنان دموکراسی و آزادی ایجاد کند که در سراسر جهان بیسابقه بوده است.

پام رژیم دو هزار پانصد ساله هاشماهی برقرار بود، تحت نامی دیگر و لوائی درویش دوباره مستقر می گشت.

جمهوری اسلامی، قلاب حاکمیت سرمایه داری

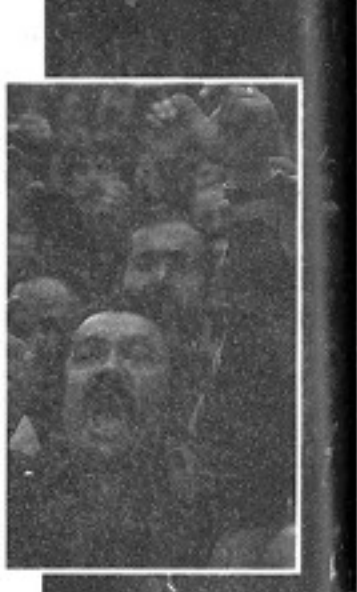
سرمایه داران و ثروتمندان احمق نیستند، می دانند که نمی توانند همه مردم را به یک اجتناب بزرگ دعوت کرده، به من و شما بگویند، ما یک اقلیت ناچیز سرمایه دار هستیم. می خواهیم شمارا استثمار کنیم بر روی سر گردن تان بگذاریم، به شما ستم کنیم و برگردیم تان سوار شویم. حاکمیت ما را بپذیرید. آنان بخوبی می دانند که اگر این حقایق را نپذیرند، مذهب و ادیان، بلکه خشونت و سواهد برای مدتی طولانی نمی تواند

چاقی ها از استین درآمد و است سرمایه داری برای ادامه استثمار خود، برای تثبیت حاکمیت خود برای چپاول و غارتگری، محتاج نظم و آراش یعنی زور کارفرما در کارخانه ها، زور نیساره ها در پادگان ها، زور پلیس و ژاندارمری است. امروز که این اسباب های سرکوب بشکرانه قیام انقلابی زحمتکشان سخت آسیب دیده اند، سرمایه داری تاگزیر، نیروهای دست راستی، آرایش

و چاقوکنان را بسج می کند. اول از همه، دموکراسی این دشمن سرمایه داری باید نابود شود. مجلسی مؤسسان که قبل از قیام نمایندگان سرمایه داری بدام وده می دادند، باید مداوما به تعویق بیفتد. قانون اساسی جدید نباید می تواند بطور آزادانه مورد بحث قرار گیرد. نتیجتا لازم و ضروری است که حمله به دموکراسی آزادی مطبوعات را یکی از پای دراندازد. سرمایه داری عقب افتاده ایران همیشه نیازمند نویی شاه است یعنی تیم و حاکمی نییاز دارد که همه باید مطیع و رام او باشند. بنده او باشند. روزنامه ها فقط اجازه تمجید از او را داشته باشند. اینگونه اختناق برای سرمایه داری ضعیف ایران، حکم شیشه حیسات را دارد.

نیازهای سرمایه داری اینک سیاستی دیگر می طلبد. دوران وده و وعید بسرآمده، استثمارگر، بزودی به درضا می رسد واز آنها پیشی می گیرد. میلیونها کارگر بیگانه و حاکمیت بزودی در افتند که بین آنها و حاکمیت سرمایه دار تفاوتی عظیم وجود دارد و بداند که حکومت سرمایه داری در هر حال جانبدار سرمایه دار است و نه کارگران. طبقاتی های مستندیده بداند که حکومتی که برای خود رسالت الهی قائل شده، قادر و مایمل نیست که خواست خاکی و فانی آنان را برای مساوات لحظاتی تحمل کند. زنان، پس از سرنگون شدن سلطنت وحشی که عامل اساسی ستم کشی بهعد آنان بوده است، زنانی که کشف حجاب اجباری رضاخانی حرمشکان را باعمال کرده بود، زیربار حجاب تحصیلی خم نشدند. کارگران با مقاومت خود در کارخانجات و با تظاهرات پرشکو خود در روز اول مساهمه نشان دادند که حاضر نیستند که بر پشت خود دراز کشیده، حملات سرمایه داری به سطح دستزدها، سطح زندگی و آزادی را تحمل کنند.

در مقابل جوش و خروش که در اقصای تحتانی جامعه شروع به ظهور کرد، طبقات



سازره را کارگران و زحمتکشان کرد

حاکم و هیئت حاکم دستخوش آشفنگی شد. زور سرمایه داری از کابینه استعفا داد تا قافله چپ تری بخود بگردد و بسرای دوره بحران بعدی، نامزد فریب دادن توده ها گردد. در یکبار چگی قشر روحانی شکاف وارد شد. فرمان را باید به کدام جهت گرداند به فریب ادامه داد یا به جانب راست چرخید و جفا را قاطعانه بیسرون کشید. روزنامه ها بلافاصله به کشف چهره های آزادخواه و تحسن مشغول شدند. ناگهان رهبر مذهمی "مهربان" و "سامهیران" کشف گردید. قهر و آشتی ها آغاز شدند. ولی طبقه حاکم، حکومت سرمایه داران سرانجام بطور متحد به تصمصم نهائی رسید. سرمایه داری بدون زور، بدون سرکوب بدون خشونت و خون برای مدتی طولانی نمی تواند

بزرگی خود ادامه دهد. چاقی ها از استین درآمد و است سرمایه داری برای ادامه استثمار خود، برای تثبیت حاکمیت خود برای چپاول و غارتگری، محتاج نظم و آراش یعنی زور کارفرما در کارخانه ها، زور نیساره ها در پادگان ها، زور پلیس و ژاندارمری است. امروز که این اسباب های سرکوب بشکرانه قیام انقلابی زحمتکشان سخت آسیب دیده اند، سرمایه داری تاگزیر، نیروهای دست راستی، آرایش

و چاقوکنان را بسج می کند. اول از همه، دموکراسی این دشمن سرمایه داری باید نابود شود. مجلسی مؤسسان که قبل از قیام نمایندگان سرمایه داری بدام وده می دادند، باید مداوما به تعویق بیفتد. قانون اساسی جدید نباید می تواند بطور آزادانه مورد بحث قرار گیرد. نتیجتا لازم و ضروری است که حمله به دموکراسی آزادی مطبوعات را یکی از پای دراندازد. سرمایه داری عقب افتاده ایران همیشه نیازمند نویی شاه است یعنی تیم و حاکمی نییاز دارد که همه باید مطیع و رام او باشند. بنده او باشند. روزنامه ها فقط اجازه تمجید از او را داشته باشند. اینگونه اختناق برای سرمایه داری ضعیف ایران، حکم شیشه حیسات را دارد.

نیازهای سرمایه داری اینک سیاستی دیگر می طلبد. دوران وده و وعید بسرآمده، استثمارگر، بزودی به درضا می رسد واز آنها پیشی می گیرد. میلیونها کارگر بیگانه و حاکمیت بزودی در افتند که بین آنها و حاکمیت سرمایه دار تفاوتی عظیم وجود دارد و بداند که حکومت سرمایه داری در هر حال جانبدار سرمایه دار است و نه کارگران. طبقاتی های مستندیده بداند که حکومتی که برای خود رسالت الهی قائل شده، قادر و مایمل نیست که خواست خاکی و فانی آنان را برای مساوات لحظاتی تحمل کند. زنان، پس از سرنگون شدن سلطنت وحشی که عامل اساسی ستم کشی بهعد آنان بوده است، زنانی که کشف حجاب اجباری رضاخانی حرمشکان را باعمال کرده بود، زیربار حجاب تحصیلی خم نشدند. کارگران با مقاومت خود در کارخانجات و با تظاهرات پرشکو خود در روز اول مساهمه نشان دادند که حاضر نیستند که بر پشت خود دراز کشیده، حملات سرمایه داری به سطح دستزدها، سطح زندگی و آزادی را تحمل کنند.

در مقابل جوش و خروش که در اقصای تحتانی جامعه شروع به ظهور کرد، طبقات

حاکم و هیئت حاکم دستخوش آشفنگی شد. زور سرمایه داری از کابینه استعفا داد تا قافله چپ تری بخود بگردد و بسرای دوره بحران بعدی، نامزد فریب دادن توده ها گردد. در یکبار چگی قشر روحانی شکاف وارد شد. فرمان را باید به کدام جهت گرداند به فریب ادامه داد یا به جانب راست چرخید و جفا را قاطعانه بیسرون کشید. روزنامه ها بلافاصله به کشف چهره های آزادخواه و تحسن مشغول شدند. ناگهان رهبر مذهمی "مهربان" و "سامهیران" کشف گردید. قهر و آشتی ها آغاز شدند. ولی طبقه حاکم، حکومت سرمایه داران سرانجام بطور متحد به تصمصم نهائی رسید. سرمایه داری بدون زور، بدون سرکوب بدون خشونت و خون برای مدتی طولانی نمی تواند

بزرگی خود ادامه دهد. چاقی ها از استین درآمد و است سرمایه داری برای ادامه استثمار خود، برای تثبیت حاکمیت خود برای چپاول و غارتگری، محتاج نظم و آراش یعنی زور کارفرما در کارخانه ها، زور نیساره ها در پادگان ها، زور پلیس و ژاندارمری است. امروز که این اسباب های سرکوب بشکرانه قیام انقلابی زحمتکشان سخت آسیب دیده اند، سرمایه داری تاگزیر، نیروهای دست راستی، آرایش

و چاقوکنان را بسج می کند. اول از همه، دموکراسی این دشمن سرمایه داری باید نابود شود. مجلسی مؤسسان که قبل از قیام نمایندگان سرمایه داری بدام وده می دادند، باید مداوما به تعویق بیفتد. قانون اساسی جدید نباید می تواند بطور آزادانه مورد بحث قرار گیرد. نتیجتا لازم و ضروری است که حمله به دموکراسی آزادی مطبوعات را یکی از پای دراندازد. سرمایه داری عقب افتاده ایران همیشه نیازمند نویی شاه است یعنی تیم و حاکمی نییاز دارد که همه باید مطیع و رام او باشند. بنده او باشند. روزنامه ها فقط اجازه تمجید از او را داشته باشند. اینگونه اختناق برای سرمایه داری ضعیف ایران، حکم شیشه حیسات را دارد.

یک زندگی سالم، انسانی و آزاد، خیال خامی بیش نیست. جای این توهم را این واقعیت تلخ، سخت و درد آور می گیرد که هنوز در رأس جامعه، قدرت تصمصم گیری در دست هیئت کوچک قرار دارد که پیوسته از منافع طبقه حاکم سرمایه دار و قلیل العده و علیه منافع توده عظیم زحمتکش حرکت می کند. اما توده عظیم، کارگران و زحمتکشان به رأی العین می بینند که خواست هایشان را کسی برای آنان برآورد نخواهد کرد. می بینند که در اعمال قدرت متحد و مبارز خود لحظه ای درنگ جایز نیست. می بینند که همه وده های برای سست کردن صف ساززه است تا تاریا نه های هیئت حاکم آنان را غافلگیر کند. حمله به آزادی مطبوعات همه این حقایق را روشن می کند.

چشم انداز دموکراسی و سوسیالیسم بیش از پیش در برابر چشم زحمتکشان گشوده می شود. بیپرده نیست که امروز انواع و اقسام تهمت ها و اتهامات علیه سوسیالیسم، نظریه ای که برای پنجاه سال خفقان پهلوی از دسترس توده مردم دور بوده است، تشریح می شود.

دشمن طبقه حاکم با سوسیالیسم بی دلیل نیست. تنها چیزی که طبقه حاکم را بر سرست قدرت نگاه داشته، توهم توده است. سرمایه داری برای حفظ این توهم دشمن دموکراسی است، حکومتی بی پایه و دیوخ استوار شده و آزادی شرط لازم برای قاش شدن دیوخ است. سوسیالیسم دست بدلیل مخالف، طرفدار سرسخت دموکراسی است.

سوسیالیسم برخلاف سرمایه داری در حقیقت نیروی انقلابی و سرنشست ساز می بیند و نتیجتا حقیقت را می گوید. سرمایه داری قدرت خود را در بیرون راندن اکثریت عظیم جامعه از محنت سیاست می بیند، می خواهد که در دست گداز کوچک از برگزیدگان بسپارد. سوسیالیسم قدرت واقعی انقلابی جامعه را در دست میلیون ها نفر از زحمتکشان می بیند و می خواهد در گسرده ترین حد دموکراسی این قدرت امکان تجلی پیدا کند.

سوسیالیسم طرفدار دموکراسی است و بهمین جهت خواستار جدا شدن مذ هب از دولت است. تجربه ایام اخیر به روشنی نشان داد است که سرمایه داری شقی ترین سوس استفاده ها را از مذ هب می کند. سرمایه داری که می خواهد بار بحران اقتصادی خود را بر دوش مستندیده ترین بخش زحمتکشان بنددازد و نتیجتا حمله خود را خیره زبان کرد، از مذ هب حربه ای علیه زنان ساخته است تا آنان را به بردگی خاکی بکشاند. سانسور و حمله به مبارزین را سرمایه داری تحت لوای تکثیر انجام می دهد. سرمایه داری معیارهای اخلاقی مذ هبی را بسود خود و نفع خود تعبیر و تفسیر می دهد و از آن به عنوان حربه ای علیه آزاد بخوانان استفاده می کند.

سوسیالیسم طرفدار آزادی مذاهب است و نتیجتا می خواهد دولت لامل کند که مذ هب امری شخصی و خصوصی است و نمی توانست مبنای تعدی یا امتیازی قرار گیرد. سوسیالیسم در این زمینه نیز مانند سایر زمینه ها، خود را بیرونی بهترین سن انقلابی رژیم کنونی می گوید. خاطره شان را دفسن و چال کند. خاطره ستارخان ها، خاطره سجاهدین انقلاب مشروطه، خاطره مبارزان واقعی که از مردم برخاستند و در راه منافع توده مردم مبارزه کردند و این منافع را تحت الشعاع هیچ ملاحظه دیگری قرار ندادند.

سوسیالیسم در این زمینه نیز مانند سایر زمینه ها، خود را بیرونی بهترین سن انقلابی رژیم کنونی می گوید. خاطره شان را دفسن و چال کند. خاطره ستارخان ها، خاطره سجاهدین انقلاب مشروطه، خاطره مبارزان واقعی که از مردم برخاستند و در راه منافع توده مردم مبارزه کردند و این منافع را تحت الشعاع هیچ ملاحظه دیگری قرار ندادند. بقیه در پشت صفحه

حزب توده به آزادی مطبوعات خنجر می زند

حسین نقوی

به اندازه کافی گویا و در همین حال منجزگر کننده است. لکن مأموریت اینان به همین جا خاتمه نمی یابد. از ورای این موضع اخیرشان درباره آزادی مطبوعات می توان رد پای آنها را که در خفا برای وارد کردن خریسه های جدید به آزادی مطبوعات نقش می چینند، دید. و این چیزی است که هنوز از چشم کارگران مبارز پنهان مانده است. رهبران حزب توده نقش می چینند که چگونه مطبوعاتی را که بر آن کنترلی ندارند از بین ببرد و بسا در صورت ممکن تصاحب کنند. آنان با پنهان شدن در پشت حملات هیئت حاکمه بسوی مطبوعات، توجیه پاتی را که دولت بسرای سرکوبی مطبوعات به آن نیاز دارد از طریق لجن پراکنی و برجسب زنی به اینگونه مطبوعات فراهم می آورند تا کار سرکوبی آنان توسلند. دولت راحت تر انجام شود. روش دیگری استالینست ها بسوی روشی که همه احزاب

حزب توده در مقابل بورژوازی حاکم به آزادی مطبوعات سکوت اختیار کرده است. نه تنها این، بلکه بطور ضمنی بر این سرکوبی صحنه گذاشته است. روزنامه مردم ارگان حزب توده، درست در موقعیکه روزنامه **آیندگان** از طریق تحریکات رادبو و تلویزیون و حملات گروه های دست راستی، تحت شدیدترین فشارها بود، موقع را مغتنم شمرده و بسوی **آیندگان** بخاطر "تحریف" سخنان تیمسار مدنی حمله کرد. حزب توده در همان زمانیکه اوپاش دست راستی تحریک شده به دسترس و مراکز پخش نشریه **آهنگ** حمله میکردند و کارکنان و نویسندگان آن تحت شدیدترین نوع فشار، تهدید و اوجاب بودند، به "خط مشی" **آهنگ** حمله کرد و آنرا مشیم به سوا استفاده از نام سابق این نشریه نمود. موضع استالینست های حزب توده در قبال حملات هیئت حاکمه به آزادی مطبوعات،

تاریکی به آزادی خنجر بزند، اما رد پهای استالینسیم قابل غفلت نیست. کارگران مبارز، مبارزیتی که به اشتباه به حزب توده روی آورده اند آگاه باشید که رهبری حزب توده در جریان سرکوبی آزادی مطبوعات بطور مستقیم و غیر مستقیم درگیر است. آگاه باشید که این عملیات ضد انقلابی حزب توده بالاخره گریبانگیر خود این حزب خواهد شد. طبقه حاکم، سرمایه داران و زمینداران ایران از حزب توده استفاده های لازم را می کنند و بعد لیموی چلانده شده به زیاده دان می اندازند. آنوقت مبارزین توده ای هستند که با خون خود بسرای سیاست های بورژوازی مسکو و رهبری حزب توده خواهند پرداخت. در این هفته یاد بود خسرو روزبه، این قربانی سیاست های استالینستی حزب توده که به پیروزی ارتجاع پهلوی انجامید، نقشه های پلید استالینسیم درباره آزادی مطبوعات را افشا کنیم.

دست ها از آیندگان... کوتاه!

بعد هم سرکوبی و اختناق. آخر الامر دست راهبای سرمایه داری به یک جا ختم میشود. خون کارگر و زحمتکش و جوان نصیبان زده. خون توده عظیم مردم توده مردم وعده وعید هارا می شنود. آری، حتی برای مدتی تحمیل هم می شود. اما زندگی بالاخره بیداری را می آسوزد و لغایبی ها دیگر کارگر نیست. توده کارگر مردم محروم ملیت های ستمدیده، جوانان، محصلین، دانشجویان، زنان و سربازان دستورات سیاسی دولت، همان پخشنامهها را می گیرند و لیکن می زنند. می فهمند که این سرمایه داران دستورات خود را تحت عنوان پخشنامههای دولت مردمی و ملیسی صادر می کنند. توده می خندد و پخشنامهها را به کنار می اندازد. سرمایه داران به تهدید و التیام تو می شوند. اگر این کارگر نشد، آنوقت خفتان است و خون حمله به آزادی مطبوعات نفس داغ و شوم

خفتان را برگردن همه گذاشته است. در زمینه مرحلهای جدید که درگسترش انقلاب ایران آغاز شده است، بسیج نیروهای دست راستی، زودتر از بسیج کارگران و زحمتکشان انجام گرفته است. لکن همین بسیج کارگران و زحمتکشان در مقابله با حملات و تحریکات سرمایه داران و نیروهای سیخ شده دست راستی آنان است که سرنوشته مرگ و زندگی آزادی را تعیین خواهد کرد. بسیج نیروهای دست راستی انقلاب را با مخاطره روبرو کرده است، اما سرنوشته این نیز در مبارزه نهفته است. طبقه ای که سرمایه داران برای تحکیم حکومت خود اختیار کرده اند، وحشیانه و خونخوارانه است. آنها راجع برشان نمیشود. توده چند میلیونی بیگاران، تورم سرمایه آور، فقر و فلاکت، بيمواری، عدم وجود مسکن و بهداشت، فلاکت و ورشکستگی بیشموران، فقر و بدبختی دهقانان، همه و همه را ناپسند می گیرند و به آن وضعی نمی گذارند. هیئت حاکمه برای اینکه بتواند همه اینها را انگار

کنند، مجبور است به آزادی بورژوازی بسپرد و دموکراسی را خفه کند. ولی این حمله نباید بدون جواب گذاشته شود. برای مقابله با این حمله به عمل نمودن نیاز است. به صدای اعتراض درهر دبیرستان، دانشگاه، کارخانه نیاز است. به تشکیل کمیته اعتراض و تظاهرات نیاز است. حاکمیت طبقات صاحب مال باید جسای خود را به حاکمیت اصیل مردم بدهد تا دفاع از آزادی و دموکراسی، دفاع از خواست های کارگران و زحمتکشان ممکن شود. این نسیز تنها از طریق انتخابات آزاد و برقراری نسوری مجلس مؤسسان است. در مقابل حملات سرمایه داران به آزادی و دموکراسی طبقه کارگر به وسط صحنه مبارزه سیاسی می آید. تنها این طبقه قدرت آن را دارد که در مقابل جنگال اختناق سرمایه داران با قاطعیت از خواست ها و آمال کلیه ستمدیدگان دفاع کند. بسا وارد شدن طبقه کارگر به مرکز صحنه سیاسی امروز ایران، مبارزه مرگ و زندگی آزادی ابعاد

جدیدی بخود میگیرد. و این صحنه است که در مسئله مرگ و زندگی سرمایه داری و مبارزه بر حصول چشم انداز دموکراسی و سوسیالیسم در ایجاد مملوئی آن مطرح می شود. بگذارید صدای اعتراض به تجاوز به حرم آزادی در هر دبیرستان، دانشگاه، در هر کوی و برزین و در هر کارخانه به صدا در آید. تنها عمل توده ای است که می تواند آزادی را از چنگال مخوف سرمایه داران برها و تنها و تنها سرمایه داران هستند که از عهده ها هراسانند. حمله به آزادی مطبوعات صحنه را پیرا وارد شدن طبقه کارگر و بارانش به سرک مبارزه مهیا کرده است. تنها طبقه کارگر با باران آن هستند که می توانند نشان دهند که فقط مبارزه آنها و فقط حکومت آنها، یعنی جمهوری کارگران و دهقانان است. است دموکراسی و آزادی را به ارمغان آورد. هیئت اجراییه حزب کارگران سوسیالیست ۲۶ اردیبهشت ۵۸

...دموکراسی و سوسیالیسم

سوسیالیسم طرفدار آزادی مطبوعات، آزادی بیان و اندیشه و حاکمیت مردم است. برای همین سوسیالیست ها خواستار برگزاری نوری مجلس مؤسسان هستند. سوسیالیست ها طرفدار حاکمیت اکثریت توده زحمتکش هستند. می گویند جمهوری اسلامی تقابلی برای حکومت اقلیت سرمایه دار و تروتند است. بهمین جهت سوسیالیست ها برای برقراری جمهوری کارگران و دهقانان مبارزه می کنند. سوسیالیسم خواستار مبارزه قاطع بسا امپریالیسم است. بهمین جهت، سرمایه

داران در تپانی با امپریالیسم، چه در دوران استبداد، چه امروز همه نوع شهیست بسوی سوسیالیست ها می بندند و خواستار سرکوب آنان هستند. افسانه هائی که سرمایه داران تحت عناوین مختلف می سازند و تبلیغ می کنند در همه جای جهان یکسان است. سرمایه داران و نمایندگان آنان در مقابل خواست های توده زحمتکش میگویند صبر کنید، دشمنای ما بسته است، از ما کاری بر نمی آید. اوضاع بیتر خواهد شد. سرمایه داران و نمایندگان سیاسی آنان به مردم می گویند منابع لازم برای برآورد کردن خواست های آنان موجود نیست.

سرمایه داران و نمایندگان آنان کلیه مسائل که کارگران، دهقانان، پیشه وران و صنعت کاران، جوانان و محصلین و دانشجویان، زنان و ملیت های ستمدیده با آن روبرو هستند را به گردن انقلاب می اندازند. میگویند تورم، بیگاری، عدم وجود مسکن، بهداشت لازم، همه کمبودها از انقلاب ناشی شده است. این یک دروغ محض است. همه این بلاها از نقشه های مخفی سرمایه داران و شرکای امپریالیست این سرمایه داران ناشی شده است. سرمایه داران بارها وعده وعیده، سرکوبی و اختناق هدف پائین آوردن انتظارات مردم را دنبال می کنند. اما سوسیالیست ها

حقیقت را می گویند و بسیج برای کسب خواست ها و آمال توده را تبلیغ می کنند. امروز جامعه ما دارد از تفرق سرمایه داری و امید برای آینده، بهتر لیریز می شود. تفرق از سرمایه داری یعنی عشق بسوی آزادی عدالت اجتماعی و برابری و جامعه انسانیمند به این آینده. بهتر چرخ های انقلاب عظیم حملات طبقه حاکم حرکت می دهد. حمله به آزادی مطبوعات، بیش از هر زمان دیگر ناتوانی سرمایه داری و چشم انداز واقعی و قدرتمند حصول دموکراسی سوسیالیسم را گشوده است.

تصرف کیهان...

کاسه صبر کارگران مسلمان کیهان نسیز درست همزمان با بسته شدن **آیندگان** لیریز شد. همین نقشه چینی قبلی است. آنچه که بعنوان دلیل تصفیه کیهان نیز در اولین شماره تصاحب شده آن اقامه شده، وجود این تحریک و توطئه را مسلم می کند. سخنانی که از قول کارگران کیهان عنوان شده، نه تنها یک صدای کارگری نیست، بلکه کلیه به کلیه نگاری است از گفته های کارفرمایان و هیئت حاکمه آنان. یکی از "انتهاجات" نیستدگان و غیرننگاران تصفیه شده، گزارشات "خلاف واقع... نظیر جریانات سندج و گنبد" بوده است. زبان و لحن سخن همان زبان سرمایه داران است که در مقابل خواست های بحق خلق های ستمدیده کردستان و گنبد کاووس یا تانک و هلیکوپتر به سراغ سندج و گنبد کاووس رفتند.

آنچه که بعنوان "هت کارگران مسلمان کیهان" در این روزنامه چاپ شد، یک صدای کارگری نیست. یک صدای کارگری هیچگاه برای محدود کردن آزادی مطبوعات بلند نمی شود. برعکس کارگران میخواهند که آزادی واقعی بر مطبوعات مستولی باشد تا آنها نیز بتوانند خواست های خود را در همه مطبوعات و منجمله مطبوعات سرمایه داری منعکس کنند. کارگران مطبوعات می خواهند که اخبار مربوط به سندیهای آنان در روزنامه منعکس شود و برای ابتکار مبارزه می کنند. ولی آنچه که در کیهان اتفاق افتاده هیچ یک از اینها نیست. هیئت حاکم سعی کرده است از طریق تحریک و تحمیل، کارگران کیهان را علیه همه آن چیزهائی که کل کارگران ایران خواهان آن هستند بلند کند. همه کارگران ایران خواهان آزادی و دموکراسی هستند تا بتوانند با سهولت بیشتری برای

خواست های خود مبارزه کنند. سرمایه داران و حکومت آنان سعی می کنند کارگران کیهان را علیه آزادی و دموکراسی بشورانند. این شیوه همیشگی کارفرمایان و حکومت آنان است که بین کارگران نفاق بیاندازد. با تصرف کیهان، وسیله ای تازه برای دامنه تحمیل توده در اختیار هیئت حاکمه قرار گرفته است. خط مشی کیهان از این پس روشن خواهد بود. کیهان تنها اجازه می یابد به تعریف و تمجید از قضاات "رهبری" بپردازد. ولی در پس این تعریفات و تمجیدات، کوشش برای بزرگترین فریب و تحمیل توده مسردم توسط هیئت حاکمه نهفته است. کیهان صرف شده مانند همه وسائل دیگر تبلیغ هیئت حاکمه، میخواهد کارگر مسلمان را تحمیل کند و به او بگوید که منافعی با همکاری مسلمان یکی است. سعی خواهد کرد با استفاده از شدیدترین عوامفریبی ها این حقیقت ساده را

که جامعه بین یک اقلیت کوچک مفتخور سرمایه دار و زمین دار و اکثریت زحمتکش و بی چیز تقسیم شده بهوشاند. لکن با هر قدری که طبقات صاحب مال و دولت آنان برای استحکام سرمایه داری، سرکوبی کارگران و زحمتکشان برمی دارد، ما با عوامفریبی اندکی به کنار می رود و چه سره واقعی هیئت حاکم آشکار می شود. تصفیه کیهان، این آخرین توطئه طبقه حاکم علیه آزادی و دموکراسی، قادر نخواهد بود راه مبارزه توده مردم برای حصول آزادی و دموکراسی واقعی گردد. تصرف کیهان بکار دیگر بر خلاف نقشه ها و انتظارات سرمایه داران به توده مردم می آوزد که سرمایه داری و هیئت حاکم آن بزرگترین دشمن آزادی و دموکراسی است.